

بایسته‌های عمومی حضور اجتماعی بانوان از منظر قرآن کریم

سید شمس الدین حسینی کیا *

چکیده

ظهور اسلام سرآغازی بود بر تمدنی که در آن، زنان با ایفای نقش‌های والا و انسانی خود، یکی از ارکان پیشرفت بشریت به سوی سعادت و اهداف بزرگ تمدن اسلامی را بنیان نهادند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور و نقش‌آفرینی زنان، عرصه‌ی اجتماعی است که از سوی شارع مقدس بایسته‌هایی برای این حضور بیان شده است. تأمل در آیات قرآن کریم برای به دست آوردن این بایسته‌ها، ما را به مواردی رهنمون می‌شود که میتوان آن‌ها را ذیل دو عنوان کلی «حذف نگاه جنسی به زن» و «حفظ نگاه جنسیتی به زن» دسته‌بندی نمود. از جمله بایسته‌های ذیل عنوان اول می‌توان به حفظ حیا در گفتار و رفتار، حفظ حجاب، عدم خودنمایی، دوری از دوستی‌های پنهانی، عدم اختلاط و عدم خلوت با نامحرم نام برد و از بایسته‌های ذیل عنوان دوم می‌توان به رعایت تناسب نقش‌آفرینی با توانایی‌های روحی و جسمی، رعایت توازن عرفی میان حقوق و تکالیف، احترام به آزادی‌های مشروع و مانند آن اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها

حضور اجتماعی بانوان، قرآن کریم، حجاب، خودنمایی، آزادی.

* دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق، استاد حوزه و دانشگاه. (sshkhkia@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱)

بیان مسأله

با ظهور اسلام و بر اساس آموزه‌های رسیده از مصدر وحی و صدور مبارک معصومان علیهم السلام، زنان نقش ویژه‌ای در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، تاریخی و تمدنی پیدا کردند، لکن در تعامل با تحولات فرهنگی جوامع اسلامی، نقش آفرینی زنان نیز دچار دگرگونی‌هایی گردید. در این مسیر پر فراز و فرود تاریخی، نقاط عطفی، توجه پژوهش‌گر عرصه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان را به خود جلب می‌کند. از جمله مهم‌ترین این نقاط، انقلاب ملت ایران بر اساس مبانی و اهداف اسلامی و به رهبری فقیهی زمان شناس است. تاریخ انقلاب اسلامی ایران از نخستین روزهای خود، سرشار از حضور توده‌ای^۱ زنان در راستای به ثمر نشاندن نهال انقلاب است. حضوری که پس از پیروزی انقلاب نیز در عرصه‌های مختلف همچون دفاع مقدس، راهپیمایی‌ها، رأی دادن در انتخابات و ... ادامه داشت و نه تنها کسی بر این حضور، خدشه‌ای وارد نکرد، بلکه با حفظ موازین و حدود شرعی همچون حفظ حجاب و عفاف، و عدم اختلاط با مردان و ... بر آن مهر تأیید و تأکید نهاده شد.

به مرور زمان و با شکل‌گیری و همسویی مؤلفه‌هایی همچون گسترش تحصیلات در میان زنان حتی تا مقاطع و مدارج بالا، زمینه برای کشف و رشد استعدادهای روحی و جسمی، احساس نیاز خانواده و جامعه به نقش آفرینی‌های جدید زنان، اطلاع از تجربه حضور زنان در عرصه‌های مختلف در جوامع گوناگون و ... ضرورت حضور تخصصی^۲ زنان و کارگزاری ایشان در حکومت و جامعه، در کنار حضور توده‌ای ایشان، نمایان گردید.

۱. منظور از حضور توده‌ای، فعالیت‌هایی است که تمام اقشار جامعه به شکل یکسان و بر اساس ضوابط قانونی در آن مشارکت دارند.

۲. منظور از حضور تخصصی، فعالیت‌هایی است که اصناف مختلف جامعه بر اساس توانایی‌ها، امکانات و نیازهای فردی و اجتماعی، در آن‌ها به ایفای نقش می‌پردازند.

از دیگر سو، شکی نیست که در یک جامعه‌ی بسامان، تمام فعالیت‌های اجتماعی باید در چهارچوب قانون صورت پذیرد لذا لازم است که نقش آفرینی تخصصی زنان هم در یک نظام قانونی تعریف شود، و از آن جا که مبنای قانون گذاری در کشور ما، فقه اسلامی است، در نتیجه قوانین موضوعه باید منطبق بر ضوابط و مبانی فقهی باشند یا لااقل مخالف با آن‌ها نباشند. بر این اساس، توجه به استنباط درست از منابع فقهی، و در رأس آن‌ها قرآن کریم، نقش غیر قابل انکاری در تنظیم و تنسيق قوانین مربوط به حضور تخصصی زنان در عرصه‌ی اجتماع و کارگزاری ایشان در حکومت اسلامی می‌یابد.

جدای از این که در مسائل مربوط به اشتغال بانوان از نظر فقهی و حقوقی به چه نتیجه‌ای برسیم، حضور ایشان در جامعه به هر عنوان و با هر هدفی که باشد نیازمند رعایت ضوابطی است که از سوی شرع مقدس، اعلام شده است. البته بیان این ضوابط و بایسته‌ها در این جا به دلیل تناسب با موضوع بحث که مرتبط با حضور زنان در جامعه است صورت می‌گیرد، لذا بدیهی است که ذکر این موارد به معنای بدون ضابطه بودن حضور مردان در جامعه از منظر فقه و حقوق نیست.

حضور تخصصی زنان در جامعه را می‌توان در دو عرصه‌ی «اختصاصی» و «اشتراکی» تعریف نمود. مراد از عرصه‌ی اختصاصی، مواردی است که تنها زنان در آن‌ها حضور دارند و مراد از عرصه‌ی اشتراکی، مواردی است که افزون بر زنان، مردان نیز در آن‌ها حضور دارند. از آن جا که حضور در فعالیت‌های اجتماعی، به خصوص در عرصه‌ی اشتراکی، به عنوان عام «انسان» نه عناوین خاص «زن» یا «مرد» باعث بروز استعدادهای افراد و پیشرفت جامعه می‌شود و از سوی دیگر، انسان هیچ گاه نمی‌تواند تهی از خصوصیت‌های جنسیتی خود باشد، لذا شارع مقدس تلاش نموده است تا با ارائه

ضوابطی تا آن جا که ممکن است نقش منفی جنسیت را در روابط اجتماعی کم رنگ نموده و آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برساند. بر این اساس، پرسش اصلی که در این پژوهش به دنبال پاسخ آن هستیم این است که: با توجه به حضور زنان در اجتماع از یک سو و لزوم تنظیم ضوابط این حضور طبق نظر شارع مقدس از سوی دیگر، قرآن کریم چه ضوابطی را برای حضور اجتماعی بانوان در نظر گرفته است؟

در خصوص پیشینه‌ی این پژوهش و نوآوری آن می‌توان گفت: پاره‌ای از پژوهش‌ها به کیفیت حضور زنان در جامعه از منظر شرعی یا اسلامی پرداخته‌اند ولی نه به شکلی که در این پژوهش به سامان رسیده است. به عنوان نمونه در مقاله «زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن»^۱ بعد از ذکر مقدماتی، تنها به بحث حذف نگاه جنسی به زن توسط قرآن توجه شده و برخی از شرایطی را که قرآن در خصوص کیفیت حضور زن در اجتماع بیان کرده، فقط تحت دو عنوان «پوشش» و «پرهیز از تبرج» مطرح شده است. بنابراین نه تنها از حفظ نگاه جنسیتی به زن در قرآن، سخنی به میان نیامده است بلکه در زمینه حذف نگاه جنسی نیز بسیار ناقص قلم زده شده است.

و یا در مقاله‌ی دیگری با عنوان «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات»^۲، علی رغم وجود شباهت‌هایی با پژوهش حاضر، همچون توجه به پاره‌ای از نمودها و مصادیق حضور سیاسی و اجتماعی زنان در قرآن کریم، تفاوت‌های چشم‌گیری مشاهده می‌شود. مثلاً توجه به حضور سیاسی و اجتماعی زنان، تنها از باب ذکر بعضی از مصادیق قرآنی بوده است بدون توجه به بحث ارزش گذاری و حفظ نگاه جنسیتی به زن در قرآن.

۱. طاهری نیا، احمد، زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن، معرفت، شماره ۱۰۷، ۱۳۸۵.

۲. ربیع نتاج، سید علی اکبر و روح الله زاده، عالیه، حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات، پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۶، بهار ۸۹.

هم چنین عدم انحصار منبع اصلی گزاره‌ها به قرآن و پرداختن به آسیب شناسی حضور زنان در اجتماع از منظر علوم دیگر همچون روانشناسی و جامعه شناسی، از دیگر تفاوت‌های این دو پژوهش به شمار می‌آیند.

بر این اساس می‌توان گفت که توجه جامع و همزمان به دو بعد «جنسی» و «جنسیتی»، در دو عرصه‌ی «تکالیف» و «حقوق»، در فعالیت‌های اجتماعی بانوان و استخراج آن‌ها از آیات قرآن، امری بدیع است که در این تحقیق، حاصل شده است. به تعبیر دیگر در این پژوهش نشان داده شده است که نگاه قرآن به حضور اجتماعی زنان، نگاهی تک بعدی و یک سویه نیست، چرا که در کنار نگاه به امور جنسی زنان در فعالیت‌های اجتماعی ایشان، به امور جنسیتی آن‌ها نیز توجه شده است. هم چنان که در کنار نگاه تکلیف گرا، به حقوق زنان هم در عرصه جامعه توجه شده است. استقصا و جمع آوری حداکثری آیات مربوط به فعالیت‌های اجتماعی بانوان تحت عناوین یاد شده، از دیگر ویژگی‌های این نوشتار است که آن را از سایر مقالات هم سو، متمایز می‌کند.

بایسته‌ها

به هر روی با توجه به غرض شارع در حفظ کرامت و آرامش آحاد جامعه از یک سو و سوق دادن جامعه به سمت تعالی و سعادت از سوی دیگر، می‌توان دو مورد زیر را به عنوان پاره‌ای از ضوابط و بایسته‌های عمومی حضور بانوان در جامعه بیان نمود:

الف. حذف نگاه جنسی به زن

بر اساس بعضی از روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۸ و ۱۰) لذت بخش ترین میلی که در انسان وجود دارد، میل جنسی است؛ لذا طبیعی است که انسان‌ها در فرصت‌ها و شرایط مختلف به دنبال ارضای آن باشند. لکن اگر این میل و نیاز به شکل

درست برآورده نشده و دامنه‌ی ارضای آن به عرصه‌ی اجتماعی بانوان کشیده شود، باعث بروز خسارات و صدمات جبران ناپذیری به فرد و جامعه خواهد شد. در همین راستا در آداب اسلامی می‌توان به آموزه‌هایی جهت پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز و پیش‌گیری از انحراف آن، با هدف حفظ سلامتی حضور اجتماعی زنان، دست یافت. خداوند متعال در قرآن کریم در کنار دستور به مردان برای حفظ میل جنسی و جلوگیری از آلودگی به گناه (نور/ ۳۰، احزاب/ ۳۵، مؤمنون/ ۵، معارج/ ۲۹) به زنان نیز چنین دستوری داده است (نور/ ۳۱، احزاب/ ۳۵، مؤمنون/ ۵، معارج/ ۲۹). بدیهی است که رسیدن به این هدف بدون اجرای لوازم بشری آن میسر نخواهد شد. از جمله‌ی این لوازم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. اقدام به ازدواج: واضح است که طبیعی‌ترین راه ارضای نیاز جنسی و حفظ پاکدامنی فرد و جامعه، ازدواج نمودن است، اهمیت این امر به حدی است که در صورتی که خود افراد، توان یا شرایط اقدام به آن را ندارند، قرآن کریم به دیگران^۱ دستور می‌دهد که ایشان را به ازدواج درآورند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/ ۳۲)

۲. تلاش برای عفت نفس: همان‌طور که گفته شد، طبیعی‌ترین راه ارضای نیاز جنسی و حفظ پاکدامنی فرد و جامعه، ازدواج نمودن است؛ اما در صورتی که به هیچ‌شکلی امکان ازدواج برای شخص مهیا نباشد، به توصیه قرآن در آیه زیر لازم است که عفت پیشه کند تا خداوند متعال با فضلش او را بی‌نیاز نماید: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور/ ۳۳)

۳. حفظ حیا در نگاه: از آن‌جا که یکی از ساده‌ترین و کوتاه‌ترین مسیرهای گرفتاری

۱. اولیاء فرد یا حکومت اسلامی.

در گناهان جنسی، نگاه به نامحرم می‌باشد لذا در قرآن کریم در کنار سفارش به مردان (نور/ ۳۰)، به زنان نیز توصیه شده است تا مراقب نگاه خود باشند، آن جا که می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور/ ۳۱)

۴. حفظ حیا در گفتار: یکی دیگر از لوازم حفظ پاکدامنی فرد و جامعه، حفظ حیا در گفتار از سوی زنان است؛ چرا که از جمله عوامل جذابیت جنسی زنان برای مردان، سخن گفتن با ناز و عشوه است. قرآن حکیم این نکته را به خوبی تبیین نموده و فرموده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب/ ۳۲)

۵. حفظ حیا در رفتار: یکی از بارزترین نمودهای حیا، رفتار هر شخص است که در موقعیت‌های مختلف از خود بروز می‌دهد. شاید نتوان ملاک‌های جامع، مانع و دقیقی برای تعیین مصادیق حیا در مواقع مختلف شناسایی و ارائه نمود، اما هر زنی با مراجعه به فطرت زنانه‌ی خود می‌تواند به قضاوت درباره رفتار خود بنشیند. حفظ حیا در رفتار نیز یکی از ضروری‌ترین لوازم جلوگیری از انحرافات جنسی فرد و جامعه است. به این مطلب نیز قرآن در بیان جریان حضور اجتماعی دختران حضرت شعیب علیه السلام اشاره نموده و در خصوص نحوه راه رفتن یکی از دختران به سمت حضرت موسی علیه السلام فرموده است: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص/ ۲۵)

۶. حفظ حجاب: درباره حجاب سخن بسیار گفته شده است لذا در این مقام نیازی به اطالهی کلام نیست. تنها نکته‌ای که به نظر می‌رسد لازم است بر آن تأکید شود این است که لزوم حفظ حجاب برای حفظ امنیت روانی فرد و سلامت جامعه، امری عقلایی است، بدین معنا که حتی در صورت عدم وجود الزامی از سوی شارع، لازم بود جوامع انسانی

برای رسیدن به فوائد حجاب، آن را به صورت قانونی بشری، وضع و اجرا کنند. جالب است که در یکی از آیات قرآن که به بحث حجاب پرداخته است به یکی از فوائد عقلایی آن، یعنی حفظ امنیت اجتماعی زنان نیز اشاره شده است. آن جا که خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب / ۵۹)

نکته‌ی مهم و قابل توجه دیگر این است که در اندیشه‌ی قرآنی، حکم حجاب هم چنان که شامل بدن زن می‌شود، شامل سایر اشیای زینتی که مورد استفاده‌ی ایشان قرار می‌گیرد نیز می‌شود مگر آن چه که به تعبیر خود قرآن در آیه‌ی زیر، به‌طور طبیعی آشکار است و قابل پوشاندن نیست: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...» (نور / ۳۱)

۷. عدم خودنمایی: یکی دیگر از لوازم حفظ پاکدامنی فرد و جامعه، عدم خودنمایی زنان در حضور مردان نامحرم و در فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. این مورد نیز از موارد عقلانی است که قرآن به آن ارشاد نموده و خطاب به زنان رسول الله ﷺ می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب / ۳۳). نکته‌ای که باید در فهم آیه‌ی شریفه بدان دقت نمود، رابطه‌ی دوسویه میان دو عبارت مذکور است؛ بدین معنا که به قرینه‌ی نهی از خودنمایی، معلوم می‌شود که امر به ماندن یا قرار گرفتن در خانه اطلاق نداشته و برای دفع حضور اجتماعی همراه با خودنمایی است و از دیگر سو، به قرینه‌ی امر به ماندن یا قرار گرفتن در خانه، معلوم می‌شود که نهی از خودنمایی اطلاق نداشته و مخصوص خودنمایی در عرصه‌ی اجتماعی است. در همین راستا توجه به

روایت زیر می‌تواند نشان‌گر فرهنگ اسلامی در این زمینه باشد:

«سعیده و منّه خواهران محمد بن ابی عمیر یّاع سابری گویند: روزی خدمت امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شدیم و عرض کردیم: آیا زن می‌تواند به عیادت برادر ایمانی خود برود؟ فرمود: آری. عرض کردیم: می‌تواند با او دست بدهد؟ فرمود: از روی لباس (می‌تواند). یکی از ما گفت: این خواهرم به عیادت برادران ایمانی خود می‌رود؟ فرمود: هرگاه به عیادت برادران ایمانی‌ات رفتی، لباس رنگین مپوش.»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۲۶)

هم‌چنان که از این روایت مشهود است، از یک سو بر حضور زنان در جامعه، حتی در یک امر اجتماعی غیر ضرور مانند عیادت از برادران دینی، صحّه نهاده شده است و از دیگر سو، بر رعایت حدود شرعی در ارتباط با نامحرمان و عدم خودنمایی نزد ایشان تأکید شده است.

۸. دوری از دوستی‌های پنهانی: یکی از انحرافات غریزه‌ی جنسی، گرایش به دوستی و رابطه‌ی پنهانی از سوی زن و مرد است. قرآن کریم با نگاه دقیقی که به این گونه مسائل دارد، هم زنان و هم مردان را از داشتن چنین روابطی بر حذر داشته است. در خصوص مردان در دو مورد زیر به این امر توجه شده است:

- درباره‌ی ازدواج با زنان بیوه و نهی از قول و قرار پنهانی با ایشان، آن‌جا که می‌فرماید: «عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (بقره/۲۳۵)
- درباره‌ی ازدواج با زنان مسلمان و زنان اهل کتاب و نهی از دوستی پنهانی با ایشان، آن‌جا که می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

۱. هر چند سند این روایت به دلیل مجهول بودن «بَعْضِ أَصْحَابِهِ» مبتلا به ارسال است، لکن وصف آن به «قوی» در برخی از منابع (مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)، ج ۸، ص ۵۲۱) و مطابقت محتوای آن با سایر روایات صحیح باب، باعث اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام می‌شود.

مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (مائده/۵)
در خصوص زنان نیز در آیه‌ی زیر که درباره‌ی ازدواج با کنیزان است، به این امر توجه شده است:

«وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء/۲۵)
بنابراین یکی دیگر از لوازم حذف نگاه جنسی به زن در عرصه‌ی اجتماع، دوری از دوستی‌ها و روابط پنهانی میان زن و مرد است که قرآن به شایستگی به این امر توجه نموده است.

۹. پرهیز از اختلاط با نامحرم: یکی دیگر از لوازم حفظ غریزه‌ی جنسی در محیط اجتماع، پرهیز از اختلاط با نامحرم است به این معنا که هر چه در محیط‌های اجتماعی تعاملات و رابطه‌های میان زن و مرد نامحرم بیشتر باشد احتمال لغزش ایشان نیز بیشتر است. با توجه به این که تعبیر قرآن هیچ کدام بدون حکمت نیست، به نظر می‌رسد زمانی که می‌خواهد آغاز مراوده و درخواست کامجویی زلیخا از حضرت یوسف علیه السلام را مطرح نماید از تعبیری استفاده می‌کند که اشاره به همین مطلب دارد، آن جا که می‌فرماید: «وَرَأَوْنَاهُ أَلْتَى هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ» (یوسف/۲۳). در این عبارت، قرآن از زلیخا تعبیر به «الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا» می‌نماید که شاید بتوان گفت یکی از وجوه استفاده از این تعبیر، اشاره به اختلاط قهری ناشی از فرزند خواندگی یوسف علیه السلام و حضور وی در خانه‌ی زلیخا است. مؤید این مطلب هم، سخن حضرت یوسف در مناجات با خداوند متعال است که عرض کرد: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ» (یوسف/۳۳) چرا که در زندان به دلیل از

بین رفتن اختلاط، دیگر زمینه‌ای برای آن گناه وجود نداشت. همچنین پرهیز از اختلاط نامحرم‌ان در کنار پذیرش ارتباط میان ایشان در عرصه‌ی اجتماعی و برای رفع حوائج زندگی، از آیه شریفه زیر به وضوح قابل فهم است:

«وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»
(احزاب/ ۵۳)

از نمونه‌های قرآنی دیگر که می‌توان از آن لزوم عدم اختلاط زنان و مردان نامحرم در عرصه‌ی اجتماع را برداشت نمود، ماجرای دختران حضرت شعیب علیه السلام است. دو دختر حضرت شعیب به دلیل پیری و ناتوانی پدرشان مجبور به حضور در عرصه‌ی اجتماع و اشتغال به شغل دامداری بودند که ظاهراً در جامعه‌ی آن زمان یا اختصاص به مردان داشت و یا غالباً مردان به آن اشتغال داشتند، لذا این دو خواهر، هنگام آب دادن به گوسفندان، صبر می‌کردند و گوسفندان خود را از رفتن به سمت محل آشامیدن آب باز می‌داشتند تا بعد از بقیه‌ی شبانان به گوسفندان خود آب داده و از این طریق از اختلاط ناخواسته با مردان نامحرم پیش‌گیری نمایند. قرآن کریم این مطلب را در آیه زیر بیان می‌فرماید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ
قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص/ ۲۳)

۱۰. پرهیز از خلوت با نامحرم: به عنوان آخرین مورد از لوازم حذف نگاه جنسی به زن در عرصه‌ی اجتماعی، لزوم پرهیز از خلوت با نامحرم در این عرصه است. طبیعی است که خلوت با نامحرم، هر چند بدون تکرار و اختلاط دائمی یا غالبی، زمینه ساز درافتادن در مهلکه‌ی انحراف و گناه است و این امر را هر انسانی که دارای غریزه جنسی باشد تصدیق خواهد کرد. چه بسا اقدام زلیخا به بستن درب‌ها در زمان درخواست

کامجویی از حضرت یوسف علیه السلام که قرآن در عبارت شریف «و غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ» (یوسف/ ۲۳) به آن اشاره نموده است، بر اساس همین گرایش طبیعی انجام گرفته باشد.

ب. حفظ نگاه جنسیتی به زن

به عنوان دومین مورد از ضوابط عمومی حضور بانوان در عرصه‌ی اجتماعی، می‌توان به لزوم حفظ نگاه جنسیتی به زن اشاره نمود. مراد از این عنوان این است که درست است که در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، حضور زن زمانی باعث شکوفایی استعدادهای وی و پیشرفت جامعه و استقرار آن در مسیر درست می‌شود که به وی به عنوان یک انسان نگاه شده و از داشتن نگاه جنسی به آن پرهیز شود، اما نباید فراموش کرد که به هر حال امکان ندارد در هیچ زمان و مکانی زن یا مرد از خصوصیات روحی و جسمی زنانه و مردانه‌ی خود خالی و جدا شوند، لذا در سپردن مسئولیت‌ها و اعطای حقوق به زن، باید تناسب میان «حق و مسئولیت» با «جنسیت» رعایت شود.^۱ پوشیده نیست که زن و مرد هر کدام دارای ویژگی‌های خاص جنسیتی هستند که در سایه‌ی تفاوت و تناسب این دو با یکدیگر، فرد و اجتماع به تعالی و سعادت می‌رسند؛ در نتیجه همچنان که در ایفای نقش‌های خانوادگی این تفاوت‌ها لحاظ می‌شوند^۲، لازم است که در ایفای نقش‌های اجتماعی نیز لحاظ گردند. نکته‌ی مهمی که از منظر فقهی و حقوقی در این باره باید در نظر داشت این است که حفظ تناسب مسئولیت با جنسیت در پاره‌ای موارد، الزامی و در پاره‌ای دیگر، ترجیحی

۱. برخی از مفسران به این امر تصریح نموده‌اند. به عنوان مثال ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۱، ص ۲۶۵.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به این روایت صحیح توجه نمود: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَخْطُبُ وَيَسْتَقِي وَيَكُتُبُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَتَعِجُّ وَتَحْبِرُ» کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - اسلامیة)، ج ۵، ص ۸۶.

است. در مواردی که از سوی شارع یا از سوی قانون گذار و به ضرورت عقلی یا عقلایی حکمی الزامی صادر شود که مستلزم رعایت تناسب است، حفظ تناسب هم به تبع، لازم و در سایر موارد، راجح است.

به هر روی، جستجو در اسناد شرعی، بیان گر مصادیقی برای حفظ نگاه جنسیتی به زن در جامعه است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تناسب نقش آفرینی با توانایی‌های روحی و جسمی: یکی از بارزترین مصادیق حفظ نگاه جنسیتی به زن در نقش آفرینی‌های اجتماعی توجه و تلاش برای حفظ تناسب نقش مورد نظر با توانایی‌های روحی و جسمی زن است. بر هیچ خردمندی پوشیده نیست که زن از لحاظ روحی و جسمی دارای لطافت‌ها و ویژگی‌هایی است که هر چند از جهتی برای وی یک مزیت و برتری نسبت به مرد محسوب می‌شوند لکن همین لطافت‌ها و ویژگی‌ها از جهت دیگر باعث آسیب پذیری وی در برخی از شرایط می‌شوند. در پاره‌ای از روایات به این لطافت‌های زنانه توجه شده است، از جمله در این روایت صحیح السند: «امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش‌های خود به پسرش محمد بن حنفیه فرمودند: و اگر می‌توانی زن را بر کاری که فراتر از توانش است، نگماری، پس این کار را بکن، چرا که این کار زیبایی اش را ماندگارتر، خاطرش را آسوده تر و حالش را نیکوتر نماید، زیرا که زن شاخه‌ی گل است و کارپرداز نیست، پس در هر حال با او مدارا نما و با نیکویی با او هم‌نشینی کن تا زندگیت گوارا گردد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۶)

تأمل در آیات شریف قرآن نیز از توجه خاص قرآن به بعضی از این ویژگی‌های زنانه پرده بر می‌دارد، از جمله:

– عادت ماهیانه‌ی زنان و سختی آن برای ایشان و لزوم حفظ آرامش روحی و بهداشت جسمی بانوان با ایجاد خلوت و فراغت و پرهیز از رابطه‌ی جنسی، در آن جا

که می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره/ ۲۲۲)

- دوران سخت بارداری و زایمان که در عبارت «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا» (احقاف/ ۱۵) و «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ» (لقمان/ ۱۴) به آن اشاره شده است.

- سختی برخی مشاغل برای زنان و تلاش برای رفع موارد اضطرابی که از بیان ماجرای دختران حضرت شعیب علیه السلام فهمیده می‌شود، با این توضیح که: بنا به تصریح قرآن، دختران حضرت شعیب به دلیل ناتوانی پدرشان، برای گذران زندگی به شغل دامداری اشتغال داشتند، لکن از آن جا که این شغل، به خصوص به شکل سستی آن، با خصوصیات زنان چندان سازگاری ندارد، حضرت شعیب پس از درخواست یکی از دخترانش مبنی بر استخدام حضرت موسی علیه السلام و ارائه پیشنهاد ازدواج با یکی از دخترانش به وی، مسئولیت دامداری دام‌های خود را به عنوان مهریه قرار می‌دهد تا از این طریق دخترانش از پرداختن به کاری که مناسب آن‌ها نیست رها شوند. (قصص/ ۲۷-۲۳)

توجه به این مطالب همراه امر به رفتار نیکو با زنان در عبارت «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/ ۱۹) که طبیعتاً اختصاصی به محیط خانواده نداشته و محیط اجتماع را نیز در بر می‌گیرد،^۱ متصدیان امور زنان در جامعه را ملزم می‌سازد که در سیاست‌های تقنینی و اجرایی و قضایی خود جایگاه خاصی برای این جنس از بشر در نظر بگیرند. به نظر می‌رسد که می‌توان ماده ۷۵ قانون کار^۲ و منع اشتغال زنان در شاخه‌های نظامی

۱. «در این بخش، مطلق زنان مراد است، نه خصوص زنان شوهردار» جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۸، ص ۱۴۵.

۲. ماده ۷۵: انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است. دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

ارتش^۱ را بر همین اساس توجیه نمود.

۲. رعایت توازن عرفی میان حقوق و تکالیف: یکی از شاخصه‌های اصلی حفظ نگاه جنسیتی به زنان در نقش‌های اجتماعی، عمل به توصیه‌های قرآن درباره مسائل حقوقی ایشان در سطح جامعه است که از جمله‌ی آن‌ها اصل مهم «رعایت توازن عرفی میان حقوق و تکالیف زنان» است. امری که در آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۲۸)، مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

۳. رعایت قوامیت مرد در عرصه خانواده: سومین مورد از مصادیق حفظ نگاه جنسیتی به زنان، رعایت قوامیت مرد در عرصه خانواده است که متکی به حکم انشائی (علیدوست، لطفی، ۱۳۹۹، ص ۷) مستفاد از آیه «الرِّجَالُ قَوَّاهُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴) می‌باشد. یکی از آثار رعایت این امر در تقسیم نقش‌های درون و بیرون خانه میان زوجین و در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان این است که حداقل از جهت تأمین نیازهای خانواده، به این گونه فعالیت‌های زنان صبغه‌ی «حق بودن» می‌بخشد نه «تکلیف داشتن». لازم به ذکر است که در تعیین معنا و ترسیم حدود مفاد این آیه، رعایت نکاتی که به تفصیل در بررسی معنای

۱. ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۶): «ارتش می‌تواند فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی، زنان را استخدام نماید. نقل و انتقالات زنان باید حتی‌الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد».

۲. نظر بعضی از مفسران درباره مثلث مطرح شده در آیه شریفه بدین قرار است: «تمائل حقوق که در این بخش از آیه آمده است، در اصل حق است، نه تساوی یا تجانس در حقوق، زیرا از کلمه‌ی «مثل» بیش از اثبات اصل حقوق بر نمی‌آید»، جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱، ص ۲۶۱. نظر تفصیلی نگارنده در این باره در کتاب «فقه اجتماعی زنان» آمده است.

آیه در جای خود بیان گشته است، ضروری می‌باشد.^۱

۴. حفظ شأن همسری و ایجاد آرامش در خانواده: بر اساس آیه مبارکه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم / ۲۱) یکی از مقاصد عالی شارع مقدس از آفرینش زوج‌هایی از جنس خود انسان‌ها، ایجاد سکینه و آرامش برای ایشان است. لذا یکی از ابعاد جنسیتی زن که لازم است در ترسیم حدود و چگونگی فعالیت‌های اجتماعی وی لحاظ گردد، نقش همسر بودن و یکی از دو رکن ایجاد آرامش در خانواده است. بدیهی است که از بین رفتن آرامش افراد در محیط خانواده ناگزیر به از بین رفتن آرامش جامعه منجر خواهد شد.

۵. حفظ شأن مادری: یکی از شئون مهمی که قرآن برای زنان در نظر گرفته است و با عباراتی چون:

«حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف / ۱۵)

«حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ» (لقمان / ۱۴)

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره / ۲۳۳)

«فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره / ۲۳۳)

«وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء / ۲۴)

۱. به عنوان نمونه بعضی از مفسران در توضیح استفاده از واژه «رجل» در پاره‌ای از آیات قرآن این گونه نگاشته‌اند: «رجال جمع رجل به معنای مرد است. به زنی که در برخی حالات همانند مرد باشد نیز «رَجُلَةٌ» گویند. برخی بر این باورند که اصل در این ریشه «رَجُل» به معنای «پا» است و اطلاق «رَجُل» بر مرد نیز به مناسبت قوتی است که دارد، چون مرد نوعاً قوی‌تر و دارای تحرک و تلاش بیشتر و در کارها مستقل و به خود متکی است؛ گویا همواره برپای خود ایستاده است؛ برخلاف زن که بیشتر به مرد وابسته است. در قرآن کریم نیز کاربرد «رجل» و «رجال» در مواردی است که خصوصیتی که در این ریشه است ملحوظ باشد و آن خصوصیت، استقرار و خود محوری و اتکا به خود است، گرچه ادعایی یا تقدیری یا تلقینی باشد» جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد ۱۱، ص ۲۴۷، سپس بر همین اساس نتیجه گرفته‌اند که: «ملاك برتري مرد بر زن و قرار داشتن مدیریت خانواده به دست مرد، مرد بودن و مردانگی داشتن است نه صرف زوجیت و شوهر بودن، چنان که فرمود: (الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) همان، ص ۲۶۲.

بر آن تأکید می‌نماید، شأن مادری است که از شئون خاص جنسیتی زنان می‌باشد. طبیعی است که عهده داری شأن مادری و انجام لوازم آن مانند بارداری، شیردهی و تربیت فرزندان، یکی از حقوق مسلم زنان است که بر تمام فعالیت‌های اجتماعی ایشان تأثیر گذار بوده و لازم است در نقش آفرینی اجتماعی ایشان مورد توجه قرار گیرد، هم چنان که قانون گذار جمهوری اسلامی به این امر توجه نموده و بر اساس آن، مواد ۷۶، ۷۷ و ۷۸ قانون کار (مبحث چهارم از فصل سوم) را مقرر فرموده است.^۱

۶. احترام به آزادی‌های مشروع: از جمله نمودهای حفظ نگاه جنسیتی به زنان، احترام به آزادی‌هایی است که طبق ادله‌ی شرعی برای بانوان در نظر گرفته شده است. بر اساس آیات قرآن پاره‌ای از این آزادی‌ها عبارتند از:

۱.۶. آزادی در شئون شخصی زندگی مانند ازدواج، جدایی و... که از آیات زیر به دست می‌آید:

«وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره / ۲۳۴) هم‌چنان که از عبارت «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» برمی‌آید، مسئولیت زنان، بعد از عده به عهده‌ی خودشان می‌باشد

۱. ماده ۷۶: مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعا ۹۰ روز است. حتی‌الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توانان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می‌شود (تبصره ۱... تبصره ۲...).

ماده ۷۷: در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تامین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسر حق‌السعی کار مناسب‌تر و سبک‌تری به او ارجاع می‌نماید. ماده ۷۸: در کارهایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و...) را ایجاد نماید (تبصره...).

نه دیگران و در خصوص آنچه به شایستگی یا مطابق عرف درباره‌ی خودشان تصمیم گرفته و انجام می‌دهند، آزادی دارند.

«وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره/۲۴۰) در این آیه‌ی شریفه هم مانند آیه‌ی قبل، مسؤولیت زنان بعد از خروج و عدم سکونت در منزل شوهرانِ وفات یافته، به عهده‌ی خودشان گذاشته شده و در خصوص تصمیماتی که درباره‌ی خودشان به شایستگی یا براساس عرف می‌گیرند، آزاد گذاشته شده‌اند.

«وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ» (بقره / ۲۳۲) در این آیه مبارک نیز آزادی اراده زنان در انتخاب همسر و اهمیت رضایت وی، به وضوح مطرح شده است.

«فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَقِيْمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ» (بقره/۲۲۹) بر اساس تفسیری که از این آیه به کمک روایات همسو در جای خود ارائه شده است، زنان در تصمیم‌گیری برای ادامه‌ی زندگی مشترک و یا قطع آن، در صورت وجود شرایط شرعی، آزادی کامل دارند و کسی نمی‌تواند این حق خداداد را از ایشان سلب نماید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا» (نساء/۱۹) همان‌طور که از آیه معلوم است، عدم کراهت زنان یا به عبارتی آزادی و اراده‌ی آنان درباره‌ی سرنوشت و نحوه زندگی‌شان محترم شمرده شده است.

«فَإِنْ أَطَعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (نساء/۳۴) از این آیه‌ی شریفه هم برمی‌آید که پس از آن که زن وظیفه‌ی خود را در اطاعت از مرد در حیطه‌ی مسؤولیت‌هایش در محیط

خانواده انجام داد، مرد دیگر حق هیچ گونه تعرضی نسبت به او نداشته و زن پس از انجام مسؤولیتش در محیط خانواده در اعمال و رفتارش آزاد است.

- ۲.۶. آزادی در امور مربوط به مهریه و سایر درآمدها که از آیات زیر به دست می‌آید:
- «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَرْصَةٌ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يُعْفُونَ» (بقره/ ۲۳۷) از این کلمات و حکم فقهی مطرح شده در این آیه، آشکارا آزادی زنان در تصمیم‌گیری درباره‌ی بخشیدن یا گرفتن مهریه‌ی خود فهمیده می‌شود.
- «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» (نساء/ ۱۹)
- از این عبارت شریف هم نفی اجبار زنان در بخشیدن مهریه و به عبارتی احترام به آزادی و اراده‌ی ایشان در آنچه مربوط به خودشان می‌شود، مانند مهریه، به دست می‌آید.
- «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَقِيْمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ» (بقره/ ۲۲۹) این آیه هم در واقع در سیاق آیه‌ی قبل می‌باشد، یعنی همانطور که در آیه‌ی قبل، از بخشیدن اجباری مهریه نفی شده بود، در این آیه از آزادی زن در بخشیدن مهریه به خواست و اراده‌ی خود و در جهت مصالحش دفاع نموده و آن را صحیح و جایز می‌شمرد.
- «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء/ ۳۲) از این آیه‌ی شریفه، تساوی زن و مرد در بهره‌وری از آنچه هر یک کسب می‌کنند به دست می‌آید، یعنی همان‌طور که مردان نسبت به آنچه کسب کرده‌اند، استقلال و آزادی دارند و مقهور اراده‌ی دیگری نیستند، زنان هم به همان روی از استقلال و آزادی برخوردارند.
- ۳.۶. آزادی در انتخاب شغل و فعالیت‌های مدنی که از آیات زیر به دست می‌آید:
- «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ

تَدُوْدَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَتُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص/ ۲۳)
در این آیه شریفه به بیان ماجرای دختران حضرت شعیب علیه السلام و اشتغال ایشان پرداخته شده است و از آن می توان آزادی زنان در انتخاب شغل دلخواه خود را استنتاج نمود، حتی مشاغلی که در شرایط عادی اختصاص به مردان دارند یا به طور غالب، مردان به آن ها اشتغال دارند.

– «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل/ ۲۳)
این آیه که آغاز بیان داستان بلقیس و حضرت سلیمان علیه السلام است، تصریح به پادشاهی یک زن بر یک ملت داشته و در هیچ یک از منابع نقلی معتبر اثری از رد و ردع و مذمت نسبت به این امر مشاهده نمی شود. لذا می توان آزادی زنان در انتخاب مشاغل و مسئولیت هایی حتی در سطح رهبری را از آن استنباط نمود.

– «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران/ ۳۵) در این آیه و تعدادی از آیات بعد، به ماجرای نذر مادر حضرت مریم (س) و عهد وی با خداوند متعال نسبت به خدمتکاری فرزندش در بیت المقدس پرداخته شده است. بر اساس آن چه در تفاسیر (طوسی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۴۴) آمده است، متولیان بیت المقدس، بر اساس عادت و سنت های رایج نزد ایشان و یا به دلیل وجود برخی موانع مانند عادت ماهیانه و دوری از تبرج و خودنمایی، به زنان اجازه خدمت در بیت المقدس را نمی دادند تا این که این سنت اشتباه به دلیل نذر مادر حضرت مریم و به اذن الهی شکسته شده و آزادی زنان در پرداختن به این فعالیت مذهبی و اجتماعی به رسمیت شناخته شد.

۴.۶. آزادی در امور سیاسی که از آیات زیر به دست می آید:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ..» (ممتحنه / ۱۰) در این آیه به بیان موضوع مهاجرت زنان مسلمان پرداخته شده و به وضوح بر آزادی ایشان در کنش‌های سیاسی در جامعه اسلامی صحه نهاده شده و بلکه با بیان احکام حقوقی ویژه‌ای، مورد حمایت قرار گرفته است.

«یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه / ۱۲) در این آیه شریفه نیز به شکل مستقل به موضوع بیعت آزادانه‌ی زنان با پیامبر پرداخته شده که نشان دهنده‌ی اهتمام این دین مبین به حفظ آزادی سیاسی بانوان در راستای حفظ نگاه جنسیتی به ایشان در فعالیت‌های اجتماعی است. هم چنین از این آیه مبارکه، دو نکته‌ی مهم در باب آزادی در مبانی اندیشه سیاسی اسلام می‌توان به دست آورد:

یکم: توجه به آزادی بیعت کنندگان است. چرا که در آیه شریفه به پیامبر امر نمی‌کند که از زنان بیعت بگیر، بلکه امر می‌کند که هرگاه زنان نزد تو آمدند که بیعت کنند، تو هم بیعت ایشان را بپذیر و با آن‌ها بیعت کن.

دوم: آوردن قید «فِي مَعْرُوفٍ» برای لزوم اطاعت و عدم سرپیچی از فرامین پیامبر است. بدین معنا که تحدید آزادی بیعت کنندگان در اطاعت از پیامبر، مقید به صدور این فرامین در چهارچوب «معروف» است. پس درست است که پیامبر از آن جهت که رسول الله است، دارای مقام عصمت بوده و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید، لکن از آن جهت که حاکم جامعه‌ی اسلامی است، اطاعت از او مطلق نبوده و مقید به امر به

نیکویی‌ها است، قیدی که همواره در اوامر نبی اکرم ﷺ به گواهی «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ
إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم/ ۳ و ۴) وجود داشته است.

۷. احترام به حق مالکیت خصوصی و سایر حقوق مالی: علی رغم عدم به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان نسبت به اموالشان و عدم احترام به این حق تا سال‌هایی نه چندان دور در جوامع غربی (سیفی زیناب، شاهمرادی زواره، ۱۳۹۸)، اسلام از بدو پیدایش بر این حق زنان تأکید نموده و آن را به رسمیت شناخته است. تمام آیاتی که در آن‌ها از پرداختن ارث (نساء/ ۷، ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶)، دیه (نساء/ ۹۲، بقره/ ۱۷۸)، نفقه (نساء/ ۳۴، بقره/ ۲۳۳، طلاق/ ۶)، اجرت (طلاق/ ۶، نساء/ ۲۴ و ۲۵، مائده/ ۵، احزاب/ ۵۰، ممتحنه/ ۱۰)، مهریه (نساء/ ۴ و ۲۰، بقره/ ۲۳۷) و متعهی نکاح (بقره/ ۲۳۶ و ۲۴۱)، حاصل کسب و کار (نساء/ ۳۲) و... به زنان سخن به میان آمده است، بر ثبوت حق مالکیت و سایر حقوق مالی برای جنس زن صحه می‌گذارند، لذا توجه به این حقوق، از جمله مصادیق حفظ نگاه جنسیتی به زنان در جامعه محسوب می‌شود.

۸. توجه ویژه به مسائل حقوقی زنان: با توجه به ویژگی‌های خاص جسمی و روحی، زنان در تقابل با مردان، معمولاً در معرض تضییع حقوق خود قرار دارند، لذا توجه ویژه به مسائل حقوقی ایشان به خصوص از سوی حکومت، از جمله موارد حفظ نگاه جنسیتی به زنان در جامعه محسوب می‌شود. توجه ویژهی شارع مقدس در آیات قرآن به شکایت یک زن از شوهرش (مجادله/ ۱) و موضوعاتی چون ایلاء (بقره/ ۲۲۶)،ظهار (مجادله/ ۲، ۳ و ۴)، محدود نمودن تعداد طلاق (بقره/ ۲۲۹ و ۲۳۰)، دفع اتهام و مجازات عمل منافی عفت با استفاده از سوگند (نور/ ۸ و ۹)، اعطای حق جدایی از طریق خلع (بقره/ ۲۲۹)، اعتبار شهادت و گواهی ایشان در محاکم قضایی (بقره/ ۲۸۲) و... همگی

حکایت از حفظ نگاه جنسیتی به زنان از طریق توجه ویژه به مسائل و نیازهای حقوقی ایشان دارد.

۹. پرهیز از بد بینی جنسی به زنان: یکی از شاخصه‌های سلامت جنسی جوامع، پرهیز از اتهام زنی‌های ناروا به زنان پاکدامن جامعه است و این امر جز با پرهیز از بد بینی جنسی به ایشان حاصل نخواهد شد. پس از وقوع «حادثه افک»^۱، قرآن کریم در آیات ۱۱ تا ۲۶ سوره مبارکه‌ی نور به این ماجرا پرداخته و با وعده‌ی عذاب در آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور/ ۲۳) به شدت با اتهام زنی ناروا به زنان مقابله نموده است. پرداخت تفصیلی قرآن به این پدیده، آن هم با توییح‌های متعدد و وعده‌ی عذاب دردناک، نشان گر اهتمام ویژه‌ی حق تعالی به این امر و تلاش برای حفظ نگاه جنسیتی به بانوان جامعه از این مسیر دارد. در بعضی از روایات به پیامدهای ناگوار رعایت نکردن این موضوع از سوی مردان اشاره شده است. به عنوان نمونه، امیر المؤمنین علیه السلام در سفارش‌های خود به فرزندش این گونه می‌فرماید: «آنجا که جای غیرت نیست از غیرت بپرهیز، چرا که این روش افراطی، سالم را به بیماری، و پاکدامن را به آلودگی دچار می‌کند» (شریف الرضی، ۱۳۸۸، نامه ۳۱، ص ۲۷۵).

۱۰. امر به خوش رفتاری با زنان: همان گونه که پیشتر بیان شد، با توجه به ویژگی‌های خاص جسمی و روحی، زنان در تقابل با مردان، بیشتر در معرض آسیب دیدن هستند.

۱. آیات افک (سوره نور: ۱۱-۲۶) درباره تهمت زدن گروهی از مردم به یکی از زنان مسلمان است. در این آیه، مردم به دلیل اتهام وارد کردن و دامن زدن به شایعات، تقبیح شده‌اند. بر اساس نظر بیشتر مفسران شیعه، شأن نزول آیات افک، اتهام عائشه به ماریه قبطیه و دفاع قرآن از ماریه بوده است، اما مفسران اهل سنت، شخص متهم شده توسط منافقان را عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند. واقعه مورد اشاره قرآن کریم که حادثه افک خوانده می‌شود، در جریان بازگشت از غزوه بنی‌مصطلق روی داد که زمان آن در منابع تاریخی، سال پنجم یا ششم هجری ذکر شده است. دو نظر بالا درباره‌ی شخصی که مورد اتهام قرار گرفته است از سوی برخی مفسران شیعه نقد شده است. ر.ک: الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۱، ص ۳۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۸۹.

این مسأله اختصاصی به محیط خانواده نداشته و بلکه می‌توان گفت که در محیط اجتماع با شدت بیشتری جریان دارد. در نتیجه یکی از بایسته‌های حفظ نگاه جنسیتی به زنان در عرصه‌ی اجتماع، توجه به این موضوع و الزام مردان به رعایت رفتار مناسب با زنان در رویدادهای مختلف در محیط خانه و جامعه است. هم‌چنان که قرآن کریم در آیات متعددی مانند:

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا» (بقره/۲۲۹)

«أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق/۶)
 - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء/۱۹)
 به این مسأله توجه و به آن امر فرموده است.

۱۱. مناسبات مستقل سیاسی: در قرآن کریم، افزون بر ذکر زنان در کنار مردان در بیان امور ایمانی^۱ و سیاسی^۲، در پاره‌ای از مناسبات سیاسی به شکل مستقل نیز به ایشان توجه شده و در خصوص تعامل با ایشان، دستوراتی به پیامبر اکرم ﷺ به عنوان حاکم اسلامی داده شده است. از جمله‌ی این مناسبات می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:

- توجه به هجرت زنان: شاید بتوان از جهاتی، مهم‌ترین حرکت سیاسی پیامبر را هجرت از مکه به مدینه دانست. امری که نقطه‌ی عطفی در بسط و گسترش دعوت نبوی

۱. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» احزاب/۳۵.

۲. «وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ» توبه/۶۸.

و سرآغازی بر اداره‌ی جامعه بر اساس قوانین اسلامی محسوب می‌شود. زنان نیز در شکل دهی به این پدیده‌ی بزرگ، سهم سترگی دوشادوش مردان داشتند تا آن جا که به شکل ویژه و مستقل به مسأله‌ی هجرت ایشان توجه شده و در همین زمینه دستوراتی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابلاغ گردید. خداوند متعال در آیه دهم از سوره مبارکه ممتحنه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ أَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَ لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمُ أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (ممتحنه/۱۰) آن چه از فرازها و دستورهای مختلف این آیه‌ی شریفه مشهود است، توجه مستقل به زنان در یک امر خطیر سیاسی و حفظ نگاه جنسیتی به ایشان در این زمینه است.

– امر به بیعت با زنان: مهم‌ترین رکن برای تشکیل حکومت توسط پیامبر، پذیرش آزادانه‌ی حکومت ایشان از سوی عموم مردم بود. بر خلاف سایر ملل و امصار که در آن اعصار بر حضور زنان در امور سیاسی جامعه وقعی نمی‌نهادند، خداوند متعال به حضور آزادانه‌ی ایشان به عنوان نیمی از افراد جامعه توجه نموده و در آیه‌ی زیر به پیامبر امر می‌کند که با ایشان بیعت نماید.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعُكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا يَشْرِفْنَ وَ لَا يَزْنِينَ وَ لَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَ لَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه/۱۲) این سطح از توجه به حضور آزادانه و مستقل زنان در امر سیاسی مهمی چون بیعت و تعیین مفادی مخصوص ایشان، حکایت از نگاه ویژه‌ی شریعت به زنان و تلاش برای حفظ نگاه جنسیتی به ایشان در کنش‌های سیاسی و اجتماعی دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس آن چه گذشت، مشاهده می‌شود که توجه به مسائل اجتماعی زنان در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این توجه ویژه را در دو بعد جنسی و جنسیتی که هر یک دارای مصادیق و لوازمی است که با ذکر آیات متعدد در طول این پژوهش بیان شده‌اند، می‌توان پیگیری نمود، همچنان که این توجه ویژه در هر دو زمینه حقوق و تکالیف، مورد عنایت قرار گرفته است. به تعبیر دیگر تأمل در مجموعه‌ی آیات مطرح شده درباره‌ی زنان، ما را به این امر رهنمون می‌سازد که به خلاف نگاه‌های تک بعدی جنسی که به خاطر پیشگیری از انحرافات جنسی در جامعه، به دنبال حذف حضور اجتماعی زنان هستند و به خلاف نگاه‌های تک بعدی جنسیتی که تفاوتی میان زن و مرد در حضور اجتماعی قائل نیستند، قرآن کریم بر اساس یک دید واقع بینانه هم به بُعد جنسی زنان در حضور جامعه‌ی ایشان توجه نموده و راه کارهایی برای کاهش انحرافات جنسی در جامعه ارائه داده است و هم به بُعد جنسیتی ایشان توجه نموده و بر اساس مقتضیات آن، آموزه‌هایی را در راستای بستر سازی برای حضور اجتماعی بانوان مطرح کرده است. همچنین به خلاف نگاه‌های یک سویه‌ی تکلیف‌گرا که برای حفظ امنیت اخلاقی و پیشرفت جامعه تنها به تحمیل تکالیف و محدودیت‌هایی برای بانوان بسنده می‌کنند، و به خلاف نگاه‌های یک سویه‌ی حق‌گرا که قائل به هیچ تکلیفی برای زنان در راستای حفظ پاکی و امنیت اخلاقی جامعه نیستند، قرآن کریم با نگاهی واقع‌گرایانه برای رسیدن جامعه به تعالی و پاکی، هم چنان که تکالیفی برای زن در عرصه اجتماع در نظر می‌گیرد، حقوقی را هم برای وی مسجل می‌شمارد. بنابراین می‌توان جامعیت و واقع‌گرایی را دو ویژگی اصلی آموزه‌های قرآن درباره حضور اجتماعی زنان دانست که از تأمل در آیات شریف آن به دست می‌آیند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۱، ۱۸، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۴. ربیع نتاج، سید علی اکبر و روح الله زاده، عالیه، «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۶، بهار ۸۹.
۵. سیفی زیناب، غلام علی و شاهمرادی زواره، مهرانگیز، «مطالعه تطبیقی حقوق غیرمالی زوج در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۶، تابستان ۹۸.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، قم، دار العرفان، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ش.
۷. طاهری نیا، احمد، «زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن»، معرفت، شماره ۱۰۷، ۱۳۸۵.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، لبنان - بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ه.ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی - چاپ: ۱، بی تا.
۱۰. علیدوست، ابوالقاسم، لطفی محمد جواد، آیه «الرجال قوامون على النساء» و تصدی زنان نسبت به پست‌های متضمن ولایت، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۷ تا ۲۶.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱۲. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القديمة)، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ۲۰ جلد، ایران - قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام) - چاپ: ۱، ۱۴۲۱ ه. ق.

